

ورزش بانوان

یک قدم تا قهرمانی



مسابقات هاکی روی یخ کشورهای اسلامی از روز شنبه با حضور تیم ملی مردان و بانوان ایران به میزبانی تاتارستان آغاز شده است. اتفاق مهم این مسابقات رسیدن تیم ملی بانوان ایران به فینال مسابقات است. تیم ملی دختران ایران پس از کسب سه پیروزی مقابل بحرین، امارات، عمان و یک شکست مقابل تاتارستان، روز گذشته مقابل نماینده عربستان به میدان رفت و توانست با شکست این تیم به دیدار پایانی مسابقات راه یابد. ملی پوشان ایران تا نیمه فینال راه رسیده و نتایج مسابقات به پایان رساندند و سپس در ضربات پنالتی با نتیجه سه بر یک به پیروزی رسیدند و راهی فینال شدند. دختران هاکی روی یخ ایران امروز و در دیدار نهایی بار دیگر مقابل نماینده کشور میزبان به میدان خواهند رفت. تیم ملی ایران امروز این فرصت را دارد تا با برتری مقابل تاتارستان هم انتقام بازی قبلی را از این تیم بگیرد و هم جشن قهرمانی مسابقات کشورهای اسلامی را برپا کند. اعظم سنایی، الهام مدیر هدقان، صبا مظاهری، هانیه آقامحمدی، دیباقر زاننیا، یانافرا زاننیا، زهره زایی، نگار خرم مهدی، نوژی ششمی، عرب فاطمه شاهسون، زهره حسینی، زهره قاسمی، عسل حدیدی، حدیث خلج، آذین قارونی، نگار جرمند، فاطمه اسماعیلی و هلیاسوهانی ملی پوشان اعزامی به این مسابقات هستند.

منتهای فوتبال

کشتی بدون تماشاگر

به نظر می رسد استناد پیوم های ایران قرار نیست به زودی شاهد بازگشت هواداران باشند. به ویژه طی چندماه اخیر تمام مسابقات بدون تماشاچی برگزار شده و همچنان ستاد مبارزه با کرونا مجوزی برای حضور تماشاگران صادر نکرده است. البته به تازگی خبری منتشر شد مبنی بر اینکه فدراسیون والیبال و تنیس تنیس مجوز حضور محدود هواداران را بگیرد اما گویا تلاش ها و پیگیری های فدراسیون کشتی در این باره کافی نبوده است. به همین دلیل رقابت های کشتی آزاد قهرمانی پسر گسلسان کشور که حکم مرحله اول چرخه انتخابی تیم ملی را هم دارد و قرار است طی روزهای ۲۸ تا ۳۰ دی ماه در سالن شهدای هفتم تیر تهران برگزار شود، بدون حضور علاقه مندان و تماشاچی ها خواهد بود. معمولاً مسابقات کشتی همیشه با استقبال از سوسو هواداران روبه روی می شود و هیجان خاصی به رقابت ها می بخشد. اما حالا کماکان کشتی گیران باید مقابل سکوها خالی با هم سرشاخ شوند و برای رسیدن به تیم ملی و کسب عنوان تلاش کنند. همان طور که اشاره شد، این اولین مرحله از چرخه انتخابی تیم ملی کشتی آزاد در سال ۲۰۲۳ است و به غیر از ۱۰ کشتی گیر، همه مدعیان کسب دوینده تیم ملی موظف به حضور در آن هستند. رضاطری در ۶۱ کیلو، رحمان عموزاد در ۶۵ کیلو، امیر محمد یزدانی در ۷۰ کیلو، یونس امامی در ۷۴ کیلو، محمد نخودی و علی سواد کوهی در ۷۹ کیلو، حسن یزدانی در ۸۶ کیلو، کامران قاسمی پوپور در ۹۲ کیلو و امیر علی آذر پیرادر ۹۷ کیلو و امیر حسین زارع در ۱۲۵ کیلو گرم نفرات معاف شده از این رقابت ها هستند که در مراحل بعدی وارد چرخه خواهند شد. نفرات برتر مسابقات کشوری جواز حضور در مسابقات قهرمانی آسیا را به دست خواهند آورد.

همه در انتظار بازگشت یک ستاره

طارمی باش، نه مجاهد!

آرآر همنورد

در آستانه شروع نیم فصل دوم لیگ برتر، شاید هواداران فوتبال ایران بیشترین انتظار از هر بازیکنی، در انتظار بازگشت دوباره «مهدی قاندی» به فرم ایده آل باشند. او احتمالاً مورد انتظارترین ستاره نیم فصل دوم لیگ برتر خواهد بود. بازیکنی که در نیم فصل اول لیگ فقط یک گل به ثمر رساند اما بعد از مدت ها در نبرد جام حذفی با تراکتورسازی، بالاخره چشمه هایی از آن استعداد ناب را نمایان کرد. استعدادی که حالا باید دقیق تر و کامل تری به نمایش گذاشته شود.

روزهای گذشته برای مهدی قاندی، روزهای پرماجری بوده اند. اول از همه، این مدیرعامل باشگاه استقلال بود که رقم قرارداد باشگاه برای جذب دوباره این بازیکن را آشکار کرد. هدف فتح سرازاده از این کار، انتقاد از شیوه مدیریت مدیران قبلی باشگاه بود اما او ناخواسته پای مهدی قاندی را نیز به انتقاد باز کرد. حالا همه از این موضوع حرف می زدند که ستاره یک میلیون و دویست هزار دلاری استقلال، چرا در

حدرقم قراردادش بازی نمی کند. این یک میلیون و دویست هزار دلار فقط رقم جذب او از تیم اماراتی آن هم به صورت قرضی بوده و بدون شک خود مهدی نیز دستمزد قابل توجهی برای بازگشت به باشگاه قبلی اش گرفته است. البته که در همه دنیا، رقم قرارداد مساله های شخصی نیست و هوادارها در جریان آن قرار می گیرند. همه جای دنیا هم ستاره های جوان پول خوبی به دست می آورند اما به هر حال این مساله در فوتبال ایران کم تر فاش می شود و فاش شدن آن فشار زیادی روی قاندی گذاشته است.

برخلاف انتظارها ما این فشارها تاثیر منفی روی عملکرد مهدی نگذاشت. او روبه روی تراکتور بهترین بازیکن تیمش بود و درست وقتی استقلال بیشتر از همیشه به درخشش او نیاز داشت، توانست دو ضربه پنالتی برای این تیم بگیرد. این درست همان چیزی بود که استقلالها انتظارش را می کشیدند. فراموش نکنیم که مهدی فقط به استقلال تعلق ندارد و مهره مهمی برای فوتبال ایران است. پس شاید حتی هواداران تیم ملی نیز در انتظار این نمایش درخشان بودند. مهدی یک بار در اولین بازی این فصلش روبه روی ملوان، غوغا کرد و سپس برای مدت بسیار زیادی خاموش شد.

حالا «باشو» دوباره در فوتبال ایران ظاهر شده است. این دو پنالتی شاید مقدمه ای برای بازگشت قاندی به روزهای درخشان گذشته هستند. او تا ابد برای این درخشش فرصت ندارد و قبل از پایان قرارداد قرضی با استقلال، باید ثابت کند که ارزش پرداخت این رقم سنگین را داشته است.

زندگی ورزشی مهدی قاندی از حالا به بعد، وارد فاز مهمی خواهد شد. او باید تصمیمش را بگیرد و در جهت این تصمیم قدم بردارد. یک طرف ماجرا، تبدیل شدن به هیولایی مثل مهدی طارمی است. ستاره ای که او نیز به بوشهر تعلق دارد و استاد پنالتی گرفتن نیز هست. مهدی طارمی هم روزهای سختی را در دنیای فوتبال پشت سر گذاشت و گاهی حتی تا مرز ناامیدی مطلق رفت. او هم زمانی در لیگ های حاشیه خلیج فارس بازی می کرد و البته چندان هم در آن لیگ ها موفق نبود اما از یک جایی به بعد، مسیرش را از حواشی جدا کرد، به رابطه های در دسترس پایان داد و همه قلب و روحش را روی فوتبال گذاشت.

نتیجه اش، ساخته شدن بازیکنی بود که در زمین مسابقه به هیچ کس رحم نمی کرد. کسی که حالا یکی از دو گل های تاریخ ایران در جام جهانی به شمار می رود. کسی که بهترین



کوهی از استعداد که حالا دیگر کم فراموش شده است. بازیکنی که می توانست در بهترین لیگ های دنیا بدرخشد اما برای یک عمر، خودش را محدود کرد و سرگرم سرزنش دیگران و مقصر دانستن آنها شد. این سرنوشتی است که قاندی باید به هر قیمتی از آن فرار کند. نیم فصل دوم لیگ برتر، باید نیم فصل مهدی قاندی باشد. او باید برگردد و درست مثل بازی جام حذفی روبه روی تراکتور، مدافعان حریف را به هم بریزد. او باید دوباره همان پسر گریز پای خط حمله استقلال شود. لیگ برتر تا اینجا برای قاندی خوب پیش نرفته اما از این جابه جاده چیزی می تواند تغییر کند و چیزهایی مثل تیم ملی و جام جهانی را

گزن این سال های لیگ پر تغال بوده و در اروپا نامی برای خودش دست و پا کرده است. زندگی طارمی هم البته بدون حسرت نیست. او حسرت زمان از دست رفته را دارد و به خوبی می داند که اگر زودتر به اروپا رسیده بود، حالا برای یکی از بزرگ ترین باشگاه های این قاره بازی می کرد. عقر به ها به سرعت سپری می ششوند و زمان از هر چیز دیگری بی رحم تر است. قاندی هم اگر زودتر دوباره همان بازیکن سابق شود و برای رفتن به اروپا نیز کمی عجله به خرج بدهد، حتی این شانس را دارد که کارنامه ای بهتر از همشهری سرشناسش برای خودش بسازد. طرف دیگر این پاره خط نیز تبدیل شدن به بازیکنی مثل مجاهد خذیروای است.

هم از دست داده اما هنوز در ابتدای مسیر قرار دارد و می تواند با سرنوشت بچنگد. جنگی که باید ابتدا از درون خودش شروع شود.

چهره به چهره

سرمربی بارسا و فرار بزرگ از سرنوشت والورده

گاوی، ژاوی را خوشبخت کرد!

آرآر طاری

میزانسن سوپر جام اسپانیا برای بار سا، کاملاً آشنا به نظر می رسد. آنها در حالی به این مسابقات رفتند که در صدر جدول لالیگا قرار داشتند اما چند نمایش نه چندان خوب، نگرانی هایی در مورد وضعیت مربی این تیم به وجود آورده بود.

شاید اگر بار سادر این رقابت شکست می خورد، درست همان اتفاقی در باشگاه رخ می داد که برای ارنستو والورده رخ داده بود. مردی که با وجود صدر نشینی در لالیگا به دلیل شکست در سوپر جام از کار برکنار شد. ژاوی اما از این سرنوشت، فرار کرد. او با بردن کلاسیکو و سوپر کاپ به فاصله چند روز بعد از شکست دادن آلتلی در متریوپولیتانو، حالا دیگر جای مستحکمی روی نیمکت باشگاه محبوبش دارد.

تا قبل از دیدار نهایی سوپر جام اسپانیا، بهترین خاطره ژاوی از مربیگری در بارسلونا، زدن چهار گل به رئال مادرید در برنابئو بود. مرد اسپانیایی و تیمش این بار نه تنها فاتح این نبرد سنتی شدند، بلکه اولین جام فصل را نیز به دست آوردند. این نخستین جام ژاوی هرناندز با بارسا در قامت مربی بود. ستاره ای که بعد از نمایش ضعیف

مقابل بارسا، روی صحنه گل دوم کاملاً مشخص است. وقتی که در بازیکن با عجله روی پای یک نفر می روند و یک پاس ساده، گاوی را در نزدیکی دروازه حریف قرار می دهد تا او نیز با یک پاس، لوسار صاحب فرصت گلزنی کند. رئال در دفاع بسیار ناهماهنگ ظاهر شده و در حمله نیز کوبندگی لازم را نداشته است. این همان تیمی است که صدر جدول لالیگا را نیز از دست داده و اگر با این فرم ادامه بدهد، شاید فصل را بدون بردن جام تمام کند. شاید رئالی ها خوش شانس هستند که باید در لیگ قهرمانان با تیم بحران زده کلوب بر خورد کنند اما اگر عملکرد رئال در آنفیلد شبیه همین بازی سوپر جام باشد، سری نوشت خوبی در انتظار این تیم نخواهد بود. رئال این روزها انگیزه لازم را در زمین نشان نمی دهد و انگار موفقیت های فصل گذشته، این تیم را تا حدودی اشباع کرده است.

این نتیجه برای بارسا، یک نقطه عطف خواهد بود. تیمی که باید در لالیگا برای بردن جام مبارزه کند و البته در یورولیک نیز با قرعه دشوار یونایتد روبه رو شود. نبرد بین دو تیم که این روزها کاملاً متحول شده اند. بارسا روی دوش ستاره های جوانش، احیا شده است. ژاوی هم بالاخره در تیم اصلی تیم را پیدا کرده. ترکیبی با آراوخو و کریستین در قلب دفاع، بالده در سمت چپ، کونده در راست و البته حضور همزمان بوسکس، دی بانگ، گاوی و پدري در زمین که کمربند خط میانی این تیم را به شدت تقویت می کند. بارسای ژاوی انگار بالاخره متولد شده است. تیمی بی رحم و البته زیبا که حالا سرمست بردن اولین جام است.

و کاری کرد که همه یاد دوران جوانی مسی و درخشش خاص او در این مسابقه بیفتند. ستاره درخشان این، بازی گاوی بود. آنقدر درخشان که سرمربی بارسا در پایان بازی حتی کلمه ای برای توصیفش پیدا نمی کرد.

از زاویه رئال مادرید اما این یک کابوس تمام عیار بود. آنها اصلاحیه تیمی نبودند که سراغ داشتیم. رئال در این بازی بیش از حد آشفته بازی کرد و این مساله برای هواداران باشگاه اصلاً پذیرفتنی نبود. این تیم در خط حمله، قدرت لازم را نداشت.

رئال فصل گذشته خیلی از بازی ها را با اعجاز بنزما برد اما کریم فعلا از آمادگی لازم به دور است و نمی تواند یک تنه بازی های دشوار را برای رئال مادرید در بیاورد. مودریچ مشخصاً بعد از جام جهانی تحلیل رفته و کروس هم با فرم ایده آل فاصله دارد. حتی برخلاف انتظارها، شومانی نیز نتوانسته در رئال درخششی شبیه عملکردش در تیم ملی فرانسه داشته باشد.

کلیدی ترین مشکل رئال اما فراتر از این است. آنها بیشتر از هر نقطه دیگری در زمین، در خط دفاعی مشکل دارند. اوج شاهکارهای دفاعی این تیم



تیمش روبه روی حریف دسته چندی در کوبالدری، به شدت مورد انتقاد قرار گرفته بود اما به فاصله چند روز، هم آنتلیکو مادرید را در زمین خودش بدون حضور لواندوفسکی شکست داد و هم با بردن رئال مادرید، قهرمان سوپر جام شد. این تورنمنت می توانست یک تله خطرناک برای ژاوی باشد. کافی بود او و تیمش روبه روی بتیس ناکام شوند تا انتقادهای این مربی اوج بگیرند اما آنها در پنالتی ها از آن بازی سخت عبور کردند و روبه روی رئال مادرید، بهترین نمایش ممکن را داشتند. در هیچ لحظه ای از این مسابقه به نظر نمی رسید که بارسا بازنده این جدال باشد. آنها تسلط بسیار زیادی روی حریف داشتند و به نظر می رسد در این مقطع، تیم بهتری نسبت به رئال مادرید هستند. آن چه در این نبرد بیشتر از هر چیز دیگری به چشم آمد، درخشش خیره کننده گاوی بود. یک فوتبالیست استثنایی که اولین گل بازی را برای بلوگران زد و روی دو گل بعدی نیز به خوبی توانست به لواندوفسکی و پدري پاس بدهد. گاوی با اختلاف بسیار زیاد، بهترین بازیکن این جدال بود. پسری که در اوج جوانی، یک تنه کلاسیکو را در دست گرفت

کاملاً عملکرد این مربی رضایت دار ند و شکست در دیدار جام حذفی روبه روی استقلال، اصلاً دلیل خوبی برای ناامید شدن از او نیست. با این حال شنیده می شود که باشگاه اسپور تینگ گیخون به دنبال جذب این مربی است و اگر پیشنهاد رسمی به او ارائه شود، بعید است او علاقه زیادی به ماندن در لیگ برتر ایران داشته باشد. شاید این، یک لحظه بسیار حساس و تعیین کننده برای تراکتوری ها باشد. آنها که در همین فصل بردی را از دست داده اند، نباید تنها تماشاگر جدایی سرمربی اسپانیایی شان باشند.

جالب اینکه بردی اف نیز به دلیل مشابهی از فوتبال ایران رفت. او با پیشنهاد باشگاه سوچی روبه رو شد و بلافاصله نیز به این پیشنهاد جواب مثبت داد و به راحتی تراکتور را ترک کرد. سوال کلیدی اینجاست که چرا جدایی مربیان از این باشگاه تا همین اندازه ساده است؟ آیا قرارداد آنها بندی گنجانده شده که این مربیان به محض دریافت اولین پیشنهاد می توانند تراکتور را ترک کنند؟ چرا باشگاه کوچک ترین تلاشی برای حفظ آنها انجام نمی دهد و قلمی در این راستا بر نمی دارد؟ تراکتور در همه این سال ها بیشتر از هر چیزی از تغییر مداوم مربیانش ضربه خورده است. این تیم هرگز روی نیمکت ثابت نداشت و تک تک مربیان، مهمانان چند روزه باشگاه بوده اند. در واقع هر وقت که قراردادش فنی در این تیم حاکم شود و تراکتور راهش را پیدا کند، اتفاق تلخی رقم خورده و مرد اول نیمکت باشگاه جدا شده است.

به نظر می رسد انتخاب یک مربی مثل بردی اف، سیاست تازهای را در تراکتور حاکم خواهد کرد. این باشگاه به سراغ یک مربی بر تجربه، ساختار ساز و معمار رفته بود. پروژه بردی اف به شرطی جواب می داد که او برای چندین سال روی نیمکت باشگاه دیده شود. درست مشابه همان اتفاقی که برای روبین کازان در فوتبال روسیه رخ داده بود. با این وجود تنها ۱۱ هفته بعد از شروع لیگ برتر، بردی اف تراکتور را رها کرد و به دنبال سرنوشتش رفت. باشگاه بعد از این مربی، تصمیم جذابی گرفت و پاکو خمز را جذب کرد. یک مربی با ذهنیت هجومی که در یکی از بهترین لیگ های دنیا کار کرده است. با این حال جذب مربی، به تنهایی کافی نیست و باید شرایط برای حفظ او نیز فراهم شود. حالا باشگاه با قطعیت از بازگشت خمزی می گوید و خود این مربی نیز فعلاً سیگنالی از جدایی نداده است. گویا او حتی چند بازیکن را برای امضای قرارداد به باشگاه نیز معرفی کرده است. به هر حال نگره داشتن این مربی در تبریز، مسئولیت بسیار مهمی برای مدیران باشگاه تراکتور خواهد بود. آنها نباید اجازه دهند مربیان شان به همین راحتی در معرض جدایی قرار بگیرند. تراکتور باید یک پروژه طولانی مدت داشته باشد و این همان چیزی است که باشگاه همیشه از خودش دریغ کرده است. راه نجات بخشی که می تواند آینده را برای این تیم کاملاً تغییر بدهد.

اتفاق روز

تراکتور و زمزمه های جدایی پاکو

این یکی را از دست ندهید!

در چند روز گذشته شایعه های زیادی در مورد احتمال جدایی پاکو خمز از تراکتور آن هم فقط بعد از برگزاری چند مسابقه به گوش رسیده است. البته که تراکتوری ها

